



ارائه مدل مفهومی تدوین خط‌مشی مقابله با جنگ شناختی دشمن در فضای سایبر

نیما مجد، حسن محبوب عشرت آبادی، محسن آقایی، هادی صادقی^۱

چکیده:

با مطرح شدن ذهن انسان به‌عنوان عرصه جدید نبرد و تغییر ماهیت جنگ‌ها، دامنه فعالیت‌ها از حوزه‌های فیزیکی و اطلاعاتی به حوزه درک و آگاهی انتقال یافته و مغز انسان به صحنه نبردی جدید تبدیل شده است. برگرفته از موارد فوق و باهدف ایجاد تحول در نحوه نگرش به محیط پیرامون و زمینه‌سازی برای انجام اقداماتی خاص، فرایندی برنامه‌ریزی شده و هدفمند تحت عنوان «جنگ شناختی» صورت می‌پذیرد. بر این اساس تدوین هرگونه خط‌مشی جهت مقابله با جریان‌ات جنگ شناختی دشمن در فضای سایبر مستلزم طراحی یک مدل مفهومی واقع‌گرا و قابل اجرا می‌باشد. این پژوهش با مطالعه تحقیقات انجام شده مرتبط، بررسی ادبیات موضوعی، شناسایی تهدیدات مرسوم و استخراج مفاهیم مشترک با طرح این پرسش که «الگوی خط‌مشی گذاری مقابله با جنگ شناختی دشمن در فضای سایبر چیست و چه مدلی را می‌توان از این مطالعه ترسیم کرد؟» تلاش می‌کند با به‌کارگیری روش تحقیق کیفی از نوع زمینه بنیاد (GT)، مدل مفهومی جهت تدوین الگوی خط‌مشی گذاری مقابله با جنگ شناختی دشمن در فضای سایبر را منطبق با دغدغه‌های بومی و به‌منظور جلوگیری از غافلگیری راهبردی و پرهیز از موازی کاری‌های معمول ارائه نماید. مهم‌ترین روش‌های گردآوری اطلاعات در این پژوهش مطالعات کتابخانه‌ای و پژوهش‌های میدانی است و مدل مفهومی حاصل شده دارای سه بخش اصلی شامل جنگ شناختی، فضای سایبر و فرایند خط‌مشی گذاری می‌باشد.

واژگان اصلی: جنگ شناختی، فضای سایبر، خط‌مشی گذاری، روش کیفی، مدل مفهومی.

۱. دانشجوی دکتری مدیریت راهبردی فضای سایبر دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

n.majd@ajauims.ac.ir

۲. استاد و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم و فنون هوایی شهید ستاری، تهران، ایران.

۳. استادیار استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه عالی دفاع ملی. تهران، ایران.

۴. استاد و عضو هیات علمی دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران.

مقدمه

در عصر حاضر که بشر در فضایی فاقد قطعیت به سمت نامتعارف بودن و بی‌نظمی حداکثری پیش می‌رود، مرزهای صحنه نبرد روزبه‌روز نامشخص‌تر از قبل می‌شود. به عقیده هی فو چو، «امروزه دامنه فعالیت‌ها از حوزه‌های فیزیکی و اطلاعاتی به حوزه درک و آگاهی انتقال یافته و مغز انسان به یک فضای جنگی جدید تبدیل شده است». (کانیا، ۲۰۱۹) تحولات شگرف در حوزه سیاست جهانی از جمله تغییر نگاه فناوری محور محض به نگاه فناوری محور توأم با ایده محوری که هدف نهایی آن نفوذ به قوه شناخت انسان‌ها و تغییر باورها، عقاید، نحوه تفکر و در نهایت تحول هویتی آن‌ها در سایه فناوری است باعث ظهور نسل جدیدی از جنگ‌ها به نام جنگ شناختی شده است. (محمدی نجم، ۱۳۹۶) در منازعات شناختی، تغییرات به صورت هوشمندانه، آرام ولی عمیق در جامعه هدف تزریق می‌شود که این امر مستلزم شناخت فلسفه و فرهنگ، اندیشه، رفتار، تصمیم، دکترین و همه عوامل ذهنی و مادی خود و دشمن در تمام سطوح است. (همان)

هم‌زمان، فضای سایبر به‌عنوان جزئی جدائی‌ناپذیر از زندگی انسان که تمامی شئون و عرصه‌های زندگی فردی و اجتماعی او را تحت تأثیر قرار داده، ابزاری است قدرتمند که از طریق دستکاری اطلاعات، اثرات بی‌ثبات‌کننده ویرانگری را بر زیرساخت‌های مادی و معنوی جوامع مختلف تحمیل می‌نماید. ناشناس ماندن و فقدان شناخت دقیق از انجام فعالیت‌ها در فضای سایبر، آن را به‌عنوان "دامنه مبهم" معرفی می‌نماید (راگ، ۲۰۱۸).

فضای سایبر با توجه به تأثیرات شگرف آن بر ذهن، آگاهی، ادراک، فهم، درک و قدرت تغییر فرایندهای مربوط به تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری و همچنین شکل‌دهی به چارچوب‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و حتی اقتصادی کاربران، به‌عنوان ابزاری مناسب برای تسهیل و تسریع اقدامات جنگ شناختی و پیشبرد آن با شکلی تکامل‌یافته‌تر، پیشرفته‌تر و عمیق‌تر نسبت به شیوه‌های مرسوم، به‌شدت مورد توجه قرار گرفته است. نامتعارف بودن ساختار، رشد سریع و نامتوازن شبکه‌های ناهمگون به‌هم پیوسته، آسیب‌پذیری‌ها، تهدیدهای متنوع و حوادث خطرناک با دامنه اثر بالا، ایجاد ناامنی و بروز چالش و اختلال در زندگی شهروندی و حتی آسیب‌های جدی در حوزه‌های پایداری و امنیت جامعه را به دنبال دارد و باید در برابر تهدیدات درونی و بیرونی محافظت شوند. (آقایی و همکاران، ۲۰۲۰: ۱۳۹۷) به‌کارگیری فضای سایبر در شئون مختلف زیست بشری موجب گردیده است اعمال

حاکمیت در فضای سایبر یکی از ابعاد جدید حاکمیت ملی و امری ضروری کشورها به شمار آید. لیکن ویژگی‌ها و شرایط خاص فضای سایبری ایجاب می‌نماید برخلاف سایر عرصه‌های فیزیکی، اعمال حاکمیت بر قلمرو ملی در این فضا از طریق کاربست شیوه‌ها و فرآیندهای قدرت نرم نیز پیگیری گردد. (علوی و همکاران. ۱۴۰۲: ۳۶) با توجه به نقش پررنگ کاربر انسانی، عمده تهدیدات در این فضا از نوع نرم و انسان‌محور بوده و تغییر و تأثیر بر اذهان، ادراک، باورها، ارزش‌ها، حافظه و سیستم تصمیم‌گیری انسان‌ها، با ابزارهای مدرن مهندسی اجتماعی و مدیریت ادراک انجام می‌پذیرد. هدایت، سازمان‌دهی و مدیریت افکار کاربران، جایگزینی و تغییر انگاره‌های سنتی و دینی مردم با تزریق اطلاعات غلط و جعلی از جمله ترفندهای جنگ شناختی با محوریت رسانه‌های اجتماعی به‌عنوان یکی از مصادیق عملیاتی در فضای سایبر به‌حساب می‌آید. در واقع این فضا فرصت مخاطب‌شناسی دقیق بر اساس شاخص‌ها و معیارهای جامعه‌شناختی، روان‌شناختی، قومیتی، سنی و جنسی را به‌گونه‌ای فراهم می‌آورد تا بتواند آماج حملات شناختی خود را در بهترین حالت بر روی اقشار و لایه‌های ذهنی جامعه مخاطب تنظیم و بیشترین تأثیر را با کمترین میزان حساسیت‌زایی داشته باشد. حل این نوع از منازعات در دنیای پر از پیچیدگی و تغییر معاصر و بسیاری مشکلات دیگر که با اهداف متعارض در یک عرصه واحد خودنمایی می‌کنند، سیاست‌گذاران را با معادلاتی لاینحل مواجه ساخته‌اند. در این فضای براز ابهام و تناقض، خط‌مشی‌گذاری به‌عنوان فرآیند نظم‌دهندگی به بی‌نظمی‌ها، کاری دشوار است. (شیخی، ۱۳۹۴: ۱) در واقع زندگی جوامع نوین از تسلط طبیعت به سمت سازمان‌یافتگی توسط نهادهای پیچیده اجتماعی در حرکت است. عنصر مهم و اساسی در سازمان‌یافتگی، داشتن اطلاعات از مردم و نظارت بر آن‌هاست و دولت‌ها به‌عنوان مهم‌ترین نهاد انتظام‌بخش، محور جمع‌آوری و تحلیل این اطلاعات می‌باشند و وظیفه مهم آن‌ها سازمان‌دهی بخش مهمی از اجتماع است. (قیصری و همکاران، ۱۴۰۰ به نقل از ابوذری، ۱۴۰۲: ۸۳) با عنایت به مطالب اشاره‌شده و به لحاظ این‌که تدوین خط‌مشی در حوزه‌های مختلف اجتماعی معمولاً باهدف حفظ منافع عمومی و تحقق بخشیدن به اهداف عالی و ارائه چارچوبی معین به‌منظور دستیابی به تغییرات مطلوب در جامعه انسانی صورت می‌پذیرد و مبانی ارزشی و هنجاری آن جامعه را مستحکم می‌سازد، ارائه مدلی برای مقابله با جنگ شناختی دشمن در فضای سایبر به‌منظور خط‌مشی‌گذاری هوشمندانه، آینده‌نگر و منعطف می‌تواند راهکاری مناسب در تعیین صحیح مسیر مقابله با آماج جنگ شناختی دشمن تلقی و روند تحقق اهداف و توسعه همه‌جانبه در مقابل جنگ شناختی دشمن را شتاب بخشد.

بیان مسئله:

در تهاجمات شناختی، تفکرات، باورها، فهم و ادراک و البته احساسات تصمیم سازان، تصمیم گیران، مقامات ارشد، نخبگان و خواص نیز آماج حمله شناختی قرار می‌گیرند که این موضوع امنیت، منافع راهبردی و سرنوشت حال و آینده یک کشور و مردم آن را با چالش‌های جدی روبرو می‌کند. ناشناخته ماندن ماهیت تهدیدات شناختی و تغییر شکل مداوم آن به دلیل تمرکز مقطعی بر مسائل مختلف در بازه‌های زمانی متفاوت در کنار "نامحسوس بودن" تهدید به واسطه رویکرد تأثیر تدریجی و متفاوت آن در اقبال مختلف در سطح جامعه موجب غفلت راهبردی سیاست‌گذاران و تصمیم گیران ارشد مملکتی می‌گردد. امروزه جامعه‌شناسان و تحلیل‌گران علوم رفتاری فضای سایبر را بستری مناسب برای رشد و تکوین فعالیت‌های مخرب شناختی در جهت تضعیف و انحراف بنیادهای ذهنی جوامع و تغییر آن‌ها در مسیرهای موردنظر دانسته‌اند. انقلاب در فناوری اطلاعات و وابستگی به فضای سایبر، دستکاری‌های شناختی را با شیوه‌ای جدید، در مقیاسی بی‌سابقه و به صورتی کاملاً دقیق امکان‌پذیر کرده است. (کلوزل، ۲۰۲۰)

در مدل‌های ارائه‌شده برای فضای سایبر همواره یکی از لایه‌ها به کاربران انسانی این فضا مرتبط می‌باشد. این امتزاج و در هم تنیدگی فضای سایبر و انسان یادآور این موضوع است که امروزه بدون شناخت کامل و دقیق ویژگی‌های فضای سایبر و فناوری‌های مبتنی بر آن، امکان مدیریت و هدایت جوامع انسانی بسیار سخت و حتی غیرممکن است. از آنجا که حفظ و ارتقاء امنیت شهروندان یک جامعه بر عهده دولت‌ها می‌باشد، تأمین حداکثری امنیت فضای سایبر به‌عنوان عامل پایداری و ثبات نیز از وظایف اصلی و حساس نظام‌های حاکمیتی در هر کشور می‌باشد.

ماهیت نامرئی جنگ شناختی و معلوم نبودن نقشه و آرایش نیروها در آن در کنار عدم قطعیت و پیچیدگی‌های فضای سایبر و پایبند نبودن این فضا به محدودیت‌های زمانی و مرزهای جغرافیایی باعث می‌شود فعالان این عرصه با تلفیق این ویژگی‌ها، بدون هیچ محدودیتی وارد بخش‌های مختلف ذهن حریف خود شده و مرکز کنترل و هدایت اعمال، رفتار و احساسات او را به اشغال خود درآورند تا جایی که حتی کنش‌های او را به نفع خود مصادره نموده و حریف خود را به مکمل بخشی از پازل خود تبدیل می‌کنند. جنگ شناختی دارای بی‌نهایت سناریو و عدم محدودیت است که می‌تواند توسط بی‌نهایت کنشگر اتفاق بیفتد. لذا به‌سختی قابل پیش‌بینی و تخمین و ردیابی است و همین امر، تحقق اصول بازدارندگی شناختی را نیز بسیار دشوار می‌سازد.

شکل‌گیری دولت‌های مدرن، پیشرفت‌های فناورانه و پیچیده شدن ساختار سیاسی و اجتماعی جوامع باعث تأثیرگذاری مؤلفه‌ها و عناصر مختلف در اداره امور واحدهای سیاسی شده است. این پیچیدگی‌ها، حکومت‌ها را نیازمند راهبرد نویسی، آینده‌نگری و تعیین خط‌مشی‌های چندوجهی و همه‌جانبه برای اداره جامعه کرده است. (اسلامی، ۱۴۰۲: ۱۲۶) عدم قطعیت‌های موجود به‌ویژه در عرصه‌های انتزاعی همچون عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی و عقیدتی که از موضوعات و دستمایه‌های اصلی حوزه‌های شناختی می‌باشند مقابله فعال، هدفمند و هوشمندانه با تهدیدات این حوزه در فضای سایر را با طراحی مدلی برای تدوین خط‌مشی کارآمد و قابل فهم با بهره‌وری مناسب، ضرورت می‌بخشد. این امر ضمن افزایش احتمال رسیدن به اهداف از طریق تعیین اولویت‌ها و تخصیص منابع و به دنبال آن افزایش سرعت توسعه و رفاه و تقویت مشروعیت حاکمیت، مبانی ارزشی و هنجاری جامعه را نیز تحکیم بخشیده و با آینده‌نگری، در پیش‌بینی و توجیه رفتار افراد جامعه و سازمان‌ها تأثیرگذار است. از آنجاکه قانون اساسی، ارزش‌های دینی، فلسفه اجتماعی، ایدئولوژی سیاسی و اصول اخلاقی می‌بایست به‌عنوان منابع نقد هر خط‌مشی در نظر گرفته شوند، لذا طراحی مدل مفهومی تدوین خط‌مشی در حوزه مقابله با جنگ شناختی دشمن در فضای سایر باید با تحلیل و کارشناسی دقیق فرصت‌ها و تهدیدات و لحاظ کردن تجربیات اندیشمندان و فعالان عرصه‌های مختلف شناختی و همچنین مطالعه تطبیقی سایر کشورها حاصل گردد تا بتواند با ایجاد فصول مشترک و همسویی و هم‌افزایی در میان بازیگران و مخاطبان خط‌مشی، مقدمات بهره‌گیری حداکثری جامعه از فرصت‌ها و جلوگیری از آسیب‌های احتمالی را مهیا سازد. در واقع این تحقیق به دنبال فهم مدل خط‌مشی‌گذاری منطبق با دغدغه‌های موجود و متناسب با شرایط آشوبناک و فاقد قطعیت در فضای سایر در راستای مقابله هدفمند با جنگ شناختی دشمن است و این مسئله از آنجا اهمیتی دوچندان می‌یابد که تاکنون تحقیق جامع و مدونی در این رابطه صورت نگرفته است. این نیازمندی در سطح تصمیم‌سازان و سیاست‌گذارانی که در فرآیند مقابله با اقدامات شناختی دشمن خواهان ارتقاء توان شناختی برای اعمال قدرت جهت خنثی‌سازی برنامه‌های دشمنان و همچنین بازدارندگی در مقابل تهدیدات حوزه جنگ شناختی هستند، مورد توجه خواهد بود.

پیشینه تحقیق:

با عنایت به بررسی‌های انجام‌گرفته، موارد زیر به‌عنوان پیشینه تحقیق در نظر گرفته شده است. سید مهدی الوانی، حسین خنیفر، حامد حاجی ملامیرزایی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان "تدوین

الگوی خط‌مشی گذاری فضای مجازی کشور" پس از تحلیل وضعیت موجود به این نتیجه رسیده‌اند که با توجه به فقدان مدل یکپارچه خط‌مشی که تمامی زوایا و مؤلفه‌های خط‌مشی گذاری فضای مجازی را مدنظر قرار دهد، مدل ارائه‌شده در این تحقیق می‌تواند مبنای تحقیقات کمی آینده قرار گیرد. در این پژوهش سعی بر آن بود تا در گام نخست نقشه کلان خط‌مشی گذاری فضای مجازی و مؤلفه‌ها و ابعاد آن احصا شود تا در گام‌های بعدی هر یک از عناصر و مؤلفه‌ها به‌طور مجزا ولی هماهنگ با دیگر عناصر موردتحقیق و پژوهش بیشتر قرار گیرد. نگارندگان این تحقیق همچنین پیشنهادهایی که می‌تواند بر اساس یافته‌های این پژوهش باعث ارتقای سطح خط‌مشی گذاری فضای مجازی کشور گردد را به شرح ذیل ارائه نموده‌اند:

- پرهیز از خط‌مشی گذاری ذهنیتی و حرکت به سمت خط‌مشی گذاری فرایندی؛
 - حصول اشراف کامل نسبت به موضوعات فضای مجازی از طریق به‌کارگیری نظام و سیستم رصد؛
 - به‌کارگیری سیستم نظارتی برای پایش و پیگیری اجرای سیاست‌ها؛
 - به‌کارگیری نظام ارزشیابی، گزارش‌گیری عملکرد و تغییر یا خاتمه بخشی به سیاست‌ها؛
 - تدوین نگاشت نهادی برای تعیین مجریان کلیدی سیاست و تعیین سازوکار هماهنگی؛
 - ایجاد ارتباط و پیونددهی بین سیاست‌ها به‌منظور اجرای بهتر.
- در تحقیق دیگر با عنوان "طراحی چهارچوب مفهومی خط‌مشی‌های تنظیمی در حوزه محتوای فضای مجازی جمهوری اسلامی ایران" که توسط علیرضا جمشیدی بروجردی، سید مجتبی امامی و رضا بنی‌اسد در سال ۱۳۹۷ انجام شد پژوهشگران به این نتیجه رسیدند که در حال حاضر در کشور به دلیل کم‌توجهی به خط‌مشی گذاری، برنامه‌ریزی و اقدام در فضای مجازی از فرصت‌های پیش روی آن به‌خوبی استفاده نشده و آسیب‌های ناشی از آن رو به گسترش است. یکی از این شواهد وجود مشکلات در خط‌مشی گذاری و اجرای آن، عدم تنظیم مقررات مؤثر و کارآمد در اداره فضای مجازی است. به همین دلیل یکی از مهم‌ترین خط‌مشی‌ها، جهت بررسی این فضا، خط‌مشی‌های تنظیمی یا همان "تنظیم مقررات" هستند. لذا اگر بخواهیم یک‌رویه کلی برای تنظیم مقررات محتوای فضای مجازی تعریف کنیم، بدین‌صورت خواهد بود که ابتدا باید خط‌مشی‌گذاران با مطالعاتی همه‌جانبه و وسیع، حوزه‌های نیازمند تنظیم مقررات را بر اساس اهداف کلان و چشم‌اندازهای جمهوری اسلامی ایران احصاء کرده و برای هر یک از حوزه‌های تنظیمی شناسایی شده، یک استراتژی و هدف روشن (بر مبنای چشم‌اندازهای موجود) مشخص کنند و نهایتاً ابزار تنظیمی

متناسبی را، برای اتصال به آن هدف به شیوه‌های مؤثر و کارآمد مشخص نمایند.

در سال ۲۰۱۸ و طی پژوهشی با عنوان "تأثیرات شناختی و منازعات حاکمیتی در فضای سایبر"، جیمز اندرو لوئیس معاون ارشد رئیس مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی در واشنگتن با طرح این مسئله که عوامل شناختی با محوریت فضای سایبر چه تأثیری بر منازعات حاکمیتی دارد نتیجه‌گیری می‌کند که فناوری اطلاعات شکل جدیدی به درگیری‌های بین‌المللی داده است. قدرت‌های جدید یا در حال احیای مجدد و همچنین قدرت‌های سستی از فضای سایبر با ویژگی‌هایی مانند ناشناخته ماندن نسبی، قابلیت انکار و تأثیرات شناختی عمیق با دامنه‌ای جهانی برای اهداف قهری بهره‌برداری می‌کنند. عملیات سایبری با دستکاری نرم‌افزاری داده‌ها، اطلاعات و دانش و تغییر باورها نه تنها به دنبال غلبه نظامی بلکه به دنبال کاهش اراده برای مقاومت و درنهایت اخذ برتری شناختی بدون استفاده از زور یا اجبار است. فضای سایبر با تغییر در انتظارات شهروندان و ایجاد روایت‌های چالش‌برانگیز، اقتدار و مشروعیت نظام‌های حاکمیتی را زیر سؤال می‌برد.

عدم انطباق کامل موضوع تحقیق با مطالعاتی که در این حوزه در مراکز علمی، کتابخانه‌ها، اسناد و مطالعات میدانی صورت گرفته و همچنین مقالات و کتاب‌های زیادی که در خصوص مباحث خط‌مشی‌گذاری، جنگ شناختی و فضای سایبر منتشر گردیده نشان از نوآوری پژوهش حاضر دارد.

اهمیت پژوهش

انجام این پژوهش، پیامدهای مثبت زیر را همراه خواهد داشت:

- زمینه‌سازی برای شناسایی، مدیریت و ارزیابی شرایط علی و زمینه‌ای مختلف جنگ شناختی و پیامدهای ناشی از آن در جهت حفاظت از مبانی ارزشی و فرهنگی کشور.
- ایجاد شرایط مناسب برای مقابله فعال و پویا با امواج ناشی از تحرکات سایبر-شناختی دشمن.
- فراهم آوردن الگوی راهنما برای تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان راهبردی جهت تدوین سیاست‌های آتی و راهبردهای مرتبط.
- اصلاح موازی کاری‌های پرهزینه و زمان‌بر.
- ارائه سازوکار بهینه جهت شناسایی معضلات و راهکارهای مناسب برای مواجهه مؤثر با جنگ شناختی دشمن در فضای سایبر.
- کمک به افزایش میزان تاب‌آوری در برابر امواج این نوع خاص از جنگ و آماده‌سازی اذهان مدیران.

ضرورت پژوهش

عدم ارائه مدل مفهومی جهت تدوین خط‌مشی مقابله با جنگ شناختی دشمن در فضای سایبر پیامدهای منفی زیر را به دنبال خواهد داشت:

- استمرار بی‌برنامگی و اقدامات ناکارآمد و غیراصولی و بسط آسیب‌پذیری‌های شناختی در عرصه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و عدم توانایی پیش‌بینی رفتار اجتماعی جامعه خودی و دشمن و درنهایت غافلگیری راهبردی.

- عدم دستیابی به یکپارچگی و هم‌افزایی و محقق نشدن مفاد بیانیه گام دوم انقلاب در کوتاه‌ترین زمان.

- اتخاذ مواضع انفعالی و عدم واکنش مناسب به حملات شناختی و ادراکی در مراکز تصمیم‌گیری که می‌تواند موجب درک نامناسب و ترویج نگاه به بیرون و غفلت از درون شده و درنهایت جمود و فساد را در این مراکز به همراه داشته و منجر به پیاده‌سازی راهبردهای دشمن در حوزه‌های تصمیم‌سازی گردد.

- ترویج حس ناامیدی و بی‌اعتمادی، ایجاد شکاف بین مردم و مسئولین و وقوع دوقطبی‌های آسیب‌زا در سپهر سیاسی و اجتماعی کشور که منشأ تهدیدات جدی در حوزه‌های مختلف امنیت ملی کشور خواهد بود.

اهداف تحقیق:

هدف از انجام این تحقیق ارائه مدل مفهومی جهت تدوین خط‌مشی مقابله با جنگ شناختی دشمن در فضای سایبر به شکلی است که با ارائه آن بتوان روند شناسایی تهدیدات شناختی را در قالبی با قدرت شناسایی بیشتر و خطای کمتر موردنظر قرار داد. بنابراین هدف اصلی و اهداف فرعی این تحقیق عبارت‌اند از:

هدف اصلی:

ارائه مدل مفهومی جهت خط‌مشی‌گذاری مقابله با جنگ شناختی دشمن در فضای سایبر.

اهداف فرعی:

- ۱- مشخص کردن مقوله اصلی در مدل مفهومی خط‌مشی مقابله با جنگ شناختی دشمن در فضای سایبر.
- ۲- مشخص کردن شرایط علی در مدل مفهومی خط‌مشی مقابله با جنگ شناختی دشمن در

فضای سایبر.

۳- تحلیل محیطی و شناسایی عوامل مداخله‌گر (محیط دور) مؤثر در مدل مفهومی خط‌مشی مقابله با جنگ شناختی دشمن در فضای سایبر.

۴- فهم شرایط زمینه‌ای (محیط نزدیک) مؤثر در مدل مفهومی خط‌مشی گذاری مقابله با جنگ شناختی دشمن در فضای سایبر.

۵- فهم پیامدهای ناشی از مدل مفهومی خط‌مشی گذاری مقابله با جنگ شناختی دشمن در فضای سایبر.

سوالات تحقیق

سؤال اصلی:

مدل مفهومی خط‌مشی گذاری مقابله با جنگ شناختی دشمن در فضای سایبر چیست؟

سؤال‌های فرعی:

۱- مقوله اصلی در مدل مفهومی خط‌مشی گذاری مقابله با جنگ شناختی دشمن در فضای

سایبر کدام است؟

۲- شرایط علی در مدل مفهومی خط‌مشی گذاری مقابله با جنگ شناختی دشمن در فضای

سایبر چیست؟

۳- عوامل مداخله‌گر (محیط دور) در مدل مفهومی خط‌مشی گذاری مقابله با جنگ شناختی

دشمن در فضای سایبر کدام‌اند؟

۴- شرایط زمینه‌ای (محیط نزدیک) در مدل مفهومی خط‌مشی گذاری مقابله با جنگ شناختی

دشمن در فضای سایبر کدام‌اند؟

۵- پیامدهای ناشی از تدوین مدل مفهومی خط‌مشی گذاری مقابله با جنگ شناختی دشمن در

فضای سایبر چیست؟

ادبیات و مبانی نظری تحقیق

مفهوم شناسی تحقیق

خط‌مشی و خط‌مشی گذاری (تدوین خط‌مشی):

در لغت‌نامه آکسفورد انگلیسی جدید، تعریف خط‌مشی این‌چنین آمده است: یک راهکار

تعریف شده که به وسیله حکومت، حزب، کسب‌وکار یا فرد، پذیرفته یا پیشنهاد شده است. (علامه و

همکاران، ۱۳۹۳) خط‌مشی، یک برنامه عمومی و مشخص‌کننده محدوده‌ای است که تصمیمات آتی باید در داخل آن گرفته شوند. (همان)

مفهوم خط‌مشی عبارت است از فرایندی که دانش و معلومات را از قوه به فعل درمی‌آورد و مشتمل است بر پردازش اطلاعات، علوم و ارزش‌های موردنظر درباره واقعیاتی که به‌منابه بازده‌ها، فرآوردها و خدمات انسانی قابل شناسایی هستند. (الوانی و همکاران، ۱۳۹۰ به نقل از ملامیرزایی، ۱۳۹۸: ۳۳)

هدف هر خط‌مشی ممکن است هستی بخشی به نیستی‌ها، بهبود بهره‌گیری از هست‌ها یا شکار فرصت‌ها باشد. (دانائی فرد، ۱۳۹۵: ۶۹) فردریک لخط‌مشی را مجموعه اقدامات پیشنهادی یک فرد، گروه یا دولت در محیطی مشخص برای غلبه بر موانع و با استفاده از فرصت‌های موجود در آن محیط تعریف کرده است. (همان)

خط‌مشی گذاری نوعی برنامه‌ریزی محسوب می‌شود که برای تحقق بخشیدن به اهداف عالی، یک چارچوب معین ارائه می‌کند و به‌وسیله آن احتمال رسیدن به هدف از طریق تعیین اولویت‌ها و تخصیص منابع افزایش می‌یابد، مبانی ارزشی و هنجاری جامعه را تحکیم می‌بخشد، در پیش‌بینی و توجیه رفتار افراد جامعه و سازمان‌ها مؤثر است، اقتدار سیاسی و مشروعیت هیئت حاکمه را افزایش می‌دهد و به افزایش سرعت توسعه و رفاه عمومی کمک می‌کند. (دانشفرد، ۱۳۹۵: ۲۷).

رویکرد علوم خط‌مشی گذاری به‌طور مبرهن ارزش محور است. علوم خط‌مشی گذاری فرایند عملیاتی مشخصی با توجه به مراحل مجزا در فرایند خط‌مشی گذاری بشمار می‌روند. فرآیند تصمیم‌گیری که از سوی لاسول آدر سال ۱۹۵۶ مطرح شد شامل شروع خط‌مشی گذاری، تخمین طیف مربوطه، گزینش، اجرایی کردن برنامه‌های، ارزیابی برنامه‌ها و اتمام خط‌مشی گذاری است. (شیخی دیزگان، ۱۳۹۴: ۷)

جنگ و جنگ شناختی:

جنگ ملازم دائمی بشر در طول تاریخ بوده و انسان همواره با نوع کار و فعالیت خود آن را تحت تأثیر قرار داده است. در این مسیر همواره جوامعی پیروز و غالب بوده‌اند که توانسته‌اند بر

اساس فرهنگ راهبردی، محیط و ماهیت تهدیدها و قابلیت‌های در دسترس، یک تصویر جامع و دقیق از جنگ زمان خود ترسیم کنند و بر آن اساس فناوری، دکترین و سازمان رسمی‌شان را توسعه دهند (محمدی نجم، ۱۳۹۶: ۵). ام. کونیزی رایت معتقد است جنگ می‌تواند نزاع هم‌زمان میان نیروهای مسلح، احساسات مردمی، تعصبات حقوقی و فرهنگ‌های ملی تلقی شود. (گاستون، ۱۳۷۴).

تغییر ماهیت نیروی اجتماعی در هر مقطع زمانی همواره بر شکل حکومت جوامع و ساختارهای اقتصادی و نظامی آن مؤثر بوده است. لذا ابعاد مختلفی بر جنگ و منازعات بشری در طول تاریخ حکم فرما بوده و خواهد بود. اتفاقات سال‌های ابتدایی قرن بیست و یکم در نقاط مختلف جهان (به‌ویژه خاورمیانه، حکایت از تغییر پارادایم و اضافه شدن بعد جدیدی به ابعاد چهارگانه قبلی جنگ (سطح، زیر سطح، هوا و زمان) داشت که سکوی اصلی این بعد جدید ذهن انسان است. اقداماتی که به‌وسیله آن با نفوذ به ذهن و قلب طرف مقابل، تأثیرات و تحولات موردنظر را در رفتار و فرهنگ و اعتقادات او زمینه‌سازی و عملیاتی نمایند. شاید بتوان گفت جنگ بعد پنجم بیش از هر چیز مبتنی بر عنصر شناخت است. شناخت فلسفه و فرهنگ، اندیشه، رفتار، تصمیم، دکترین، قابلیت‌های نظامی، تحرکات تاکتیکی و همه عوامل ذهنی و مادی خود و دشمن در تمام سطوح (نظامی و غیرنظامی). در بعد پنجم از همه ابزارهای نفوذ به حوزه شناخت و در نهایت تغییر رفتار مخاطب استفاده می‌شود. (محمدی نجم، ۱۳۹۶: ۴۳) ظهور جنگ شناختی شاید بیشتر ناشی از تفکرات کسانی بود که علاقه‌مند به انتقال جنگ به درون جامعه و تغییر در ساختارهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی طرف مقابل بوده‌اند. امروزه تعاریف مختلفی در خصوص جنگ شناختی ارائه گردیده که در ذیل به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

- نفوذ و راهبری بینش‌ها، احساسات و آگاهی عامه‌ی مردم و نخبگان یک کشور و در نهایت تأثیر بر ارزش‌های یک کشور، روح و هویت ملی، ایدئولوژی، سنت‌های فرهنگی و اعتقادات تاریخی با هدف راهبردی تحصیل پیروزی بدون جنگ. (تارنمای گلوبال تایوان، ۲۰۱۸)
- دستکاری گفتمان عمومی توسط عناصر خارجی است که به دنبال تضعیف وحدت اجتماعی یا آسیب رساندن به اعتماد عمومی به نظام سیاسی هستند. (رزنر^۱ و سیمن^۲ - تاو، ۲۰۱۸)
- مسلح ساختن افکار عمومی، توسط یک نهاد خارجی، به منظور تأثیرگذاری بر سیاست‌های

1 M.QuincyWright
2 Rosner
3 Siman-Tov

عمومی و دولتی و بی‌ثبات کردن نهادهای عمومی است. (برنال، کارتر، سینگ و مادره پره لا، ۲۰۲۰)

- مبارزه برای کنترل یا تغییر نحوه واکنش مردم به اطلاعات و تغییر مسیر نابودی دشمن از درون به بیرون. (همان)

- یک استراتژی که بر تغییر نحوه تفکر یک جمعیت هدف و به دنبال آن تغییر نحوه عملکرد افراد آن جامعه از طریق ابزارهای اطلاعاتی، متمرکز است. (الور بکز و اندرو سواب، ۲۰۱۹).

- جنگی است ایده محور که می‌کوشد اعتمادی را که زیربنای هر جامعه است از بین ببرد. جنگ شناختی، تضعیف اعتماد را دنبال می‌کند. در جنگ شناختی هدف حمله به آنچه افراد می‌اندیشند نیست بلکه هدف آن‌ها این است که به طرز فکر آن‌ها حمله کنند. این راه‌کاری برای ایجاد شکاف در تمام مبانی وحدت اجتماعی است که زیربنای جوامع است. (دوکلوزل، ۲۰۲۰)

- هدف قرار دادن قوه شناخت عموم مردم و نخبگان جامعه با هدف تغییر هنجارها، ارزش‌ها، باورها، نگرش‌ها و رفتارها از طریق مدیریت ادراک و برداشت و به‌منظور مشروعیت زدایی، اعتبار زدایی، اعتماد زدایی، قداست زدایی، ناامید سازی و ناکارآمد نمایی انجام می‌گیرد که در نهایت دشمن امیدوار است از این طریق سبب رویگردانی اجتماعی و از بین رفتن سرمایه اجتماعی نظام حاکم شود. (اخوان، ۱۳۹۷).

یکی از ویژگی‌های بارز جنگ شناختی، اثربخشی و پیش‌بینی تأثیر اقدام‌های طراحی شده است. در جنگ شناختی اگر ادعای اثربخشی در موقعیت‌های واقعی را داریم، باید ابتدا گزاره‌های تبیینی خود را قوت بخشیم تا قدرت پیش‌بینی داشته باشند. در واقع، زمانی که اثربخشی جنگ شناختی مطرح می‌شود، بدین معناست که به لحاظ علمی، گزاره‌های ما در سطح پیش‌بینی و کنترل است و این بر تبیین علی قوی متکی است. (محبوب و همکاران. ۱۴۰۱)

از منظر محقق، جنگ شناختی عرصه‌ای برآمده از اقداماتی ترکیبی و تدبیر شده با هدف کنترل یا تغییر نحوه واکنش به اطلاعات در میان افراد و بازیگران انسانی (جمعیت‌های غیرنظامی، گروه‌های قومی، رهبران، نخبگان و ...) و همچنین مفاهیم نزدیک به انسان مانند رهبری، سازمان‌ها، فرایندهای

- 1- Bernal
- 2 Carter
- 3- Singh
- 4 Madreperla
- 5- Oliver Backes
- 6- Andrew Swab
- 7- du Cluzel

تصمیم‌گیری و رفتار جهت ایجاد یک ادراک از پیش تعیین شده در بین آن‌ها به‌منظور ایجاد شکاف در تمام مبانی وحدت اجتماعی از طریق ابزارهای اطلاعاتی است. شایان‌ذکر است جنگ شناختی می‌تواند در شکل ایجابی خود برای ارتقاء توان خودی نیز بکار گرفته شود.

فضای سایبر:

از بُعد چستی و بر اساس سند پایه اصطلاحات حساس حوزه امنیت سایبری، توافق شده بین روسیه و آمریکا در سال ۲۰۱۴، فضای سایبر، یک محیط واسط الکترونیکی است که از طریق آن اطلاعات ایجاد، منتقل، دریافت، ذخیره، پردازش یا حذف می‌شوند. وزارت دفاع آمریکا فضای سایبر را یک دامنه سراسری در محیط اطلاعاتی تعریف می‌کند که شامل شبکه‌های مرتبط به هم از زیرساخت‌های فناوری اطلاعات، شامل اینترنت، شبکه‌های مخابراتی، سامانه‌های رایانه‌ای، پردازنده‌ها و کنترلرهای تعبیه شده است. (وزارت دفاع آمریکا، ۲۰۱۰)

از نگاه دیوید بل (۲۰۰۱) فضای سایبر فقط مجموعه‌ای از سخت‌افزار نیست بلکه مجموعه‌ای از تعاریف نمادین است که شبکه‌ای از عقاید و باورها را در قالب دادوستد بیت ردوبدل می‌کنند. بل با اشاره به گونه‌های مختلف تفسیری فضای سایبر، به توصیف مایکل بندیکت از فضای سایبر اشاره می‌کند که حائز اهمیت است: "فضای سایبر یک دنیای جدید، یک دنیای موازی است که با خطوط ارتباطی و رایانه‌های جهان خلق و نگهداری می‌شود. دنیایی که در آن تردد جهانی دانش، رموز، سنجش‌ها، شاخص‌ها، سرگرمی‌ها و عاملیت دیگری انسانی شکل می‌گیرد." (خانیک و بابائی، ۱۳۹۰) فضای سایبر از نظر برخی کارشناسان به‌عنوان تأثیر فضا و جامعه‌ای که توسط رایانه‌ها، اطلاعات و ابزارهای الکترونیکی، شبکه‌های دیجیتالی و یا کاربران آن شکل می‌گیرد تعریف شده است. (لرد و شارپ، ۲۰۱۱)

به عقیده استون فضای سایبر اساساً پیرامون جوامع و چگونگی کار آن‌ها شکل گرفته است. او معتقد است فضای مجازی در مقایسه با تعامل رودررو، فرصت‌های بسیاری را برای تعبیر و تفسیر، پندار و پنداشت‌های طرفین تعامل فراهم می‌کند. (استون، ۱۹۹۱) بندیکت این فضا را چنین

1 - David Bell

2 - Michael Benedikt

3 - Kristine Lord and Travis Sharp

4 - Stone

تعریف می‌کند: یک جهان جدید و موازی با دنیای روزمره بشر که به‌وسیله رایانه و خطوط ارتباط جهانی ایجاد شده است. جهانی با ویژگی‌هایی نظیر عبور و مرور فراگیر دانش، اسرار، سنجش‌ها، شاخص‌ها و سرگرمی‌ها که از طریق کارگزاری بدیل انسان به صداها، جلوه‌ها و حضوری جهانی که تا به حال وجود نداشته شکل می‌دهد. (زابلی زاده، وهاب پور. ۱۳۹۷)

فضای سایبر جغرافیا را از بین می‌برد. انسان را به سوژگی در محیط مجازی سوق می‌دهد، ایده‌ها را گسترش می‌دهد، کنترل‌پذیری را بی‌معنا می‌سازد و دولت‌ها را به‌عنوان نهاد ناظر بر روابط سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ... خلع سلاح می‌کند. (همان) باید توجه داشت فضای سایبر چیزی جدا از فضای واقعی نیست. بلکه تحت تأثیر آن به وجود آمده است که بر آن تأثیر متقابل می‌گذارد. (جان‌پرور، ۱۳۸۶: ۵۶ به نقل از جان‌پرور و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۰۴)

روش‌شناسی تحقیق

نوع و رویکرد تحقیق

پژوهش حاضر دارای رویکرد کیفی^۱ و از نظر ماهیت از نوع پژوهش‌های اکتشافی است زیرا مسئله‌ای را مورد توجه قرار می‌دهد که قبلاً به آن پرداخته نشده است. در این نوع پژوهش به‌جای آزمون فرضیه، هدف جمع‌آوری الگوها و ایده‌ها برای یافتن درک عمیق از موضوع است.

روش تحقیق

در این تحقیق برای کشف فرایندهای موجود از رویکرد نظریه‌پردازی بر مبنای نظریه زمینه بنیاد (GT) استفاده شده و ابزار مورداستفاده نرم‌افزار مکس کیودا^۲ می‌باشد. با استفاده از این نرم‌افزار یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها در قالب روش تحلیل محتوای استنباطی موردبررسی قرار گرفت. در رویکرد نظریه‌پردازی زمینه بنیاد، پژوهش‌گر هیچ نظریه‌ای در ذهن ندارد بلکه بر اساس سؤالاتی که از افراد درگیر در مسئله می‌پرسد به یک نظریه می‌رسد. در پژوهش حاضر نیز به دلیل اینکه در زمینه مقابله با جنگ شناختی دشمن در فضای سایبر هیچ نظریه‌ای از قبل وجود ندارد

1 Qualitative research

2 Grounded Theory

3 - MaxQDA

استفاده از این رویکرد ضروری به نظر می‌رسد.

در این مسیر، از رهیافت نظام‌مند اشتراوس و کوربین (۲۰۰۷) استفاده شده است که بر اساس آن، مجموع مقوله‌های استخراج‌شده از داده‌های خام در قالب «مدل پارادایمی» که مبتنی بر شناسایی عناصر شش‌گانه‌ی شرایط علی، پدیده محوری، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها است، قرار می‌گیرند. این روش دارای سه مرحله اصلی کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی (گزینشی) است. در این زمینه موارد مستخرجه از مصاحبه‌ها که به موضوع تحقیق تأکید دارد با استفاده از نرم‌افزار مکس کیودا، تحلیل و کدگذاری گردید که منجر به احصاء تعدادی کد یا واحد معنایی در زمینه موضوع مقاله شد. در ادامه، واحدهای معنایی نزدیک درهم ادغام تا واحدهای معنایی ساختاریافته تری ایجاد گردد. در گام بعدی و پس از مرور چندباره واحدهای معنایی جدید، مفاهیمی که با یکدیگر مرتبط و مقوله‌ای خاص را تداعی می‌نمایند، دسته‌بندی گردید که در ۳۰ مقوله جای گرفتند.

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

بعد از انجام عمل برچسب‌گذاری و نام‌گذاری داده‌ها، برای کشف مطالب جدید در داده‌ها و به دست آوردن فهم بهتر، تحلیل خرد که تحلیل دقیق‌تر و موشکافانه‌تری است انجام گرفت. در تحلیل خرد از ترتیبات تحلیل مقایسه‌ای استفاده شد؛ هدف از این کار دریافتن طیف معانی ممکن در کلمات مصاحبه‌شوندگان بود. با این روش کار دسته‌بندی مفاهیم آغاز شد و هر دسته زیر اصطلاح انتزاعی‌تر، یعنی مقوله‌ها طبقه‌بندی شد.

همان‌گونه که پیش‌تر بیان گردید در فرایند کدگذاری باز در مجموع از ۱۳ مصاحبه انجام‌گرفته تعدادی کد اولیه شکل گرفت. سپس طبقه‌بندی اولیه‌ای از داده‌ها انجام شد و مفاهیم حاصل در ۳۰ مقوله به ترتیب زیر جای گرفتند:

- ۱- مهندسی شناخت
- ۲- جهانی‌شدن و تأثیرپذیری آنلاین
- ۳- به هم پیوستگی و شتاب گرفتن روند تهدیدات شناختی
- ۴- قطبی‌شدن سیاسی و ایدئولوژیک جامعه
- ۵- فقدان سواد رسانه‌ای و رشد آسیب‌پذیری‌های شناختی

- ۶- پیشرفت فناوری و ظهور فناوری‌های برهم زن و حاکمیت گریز
 - ۷- استفاده گسترده از رسانه‌های اجتماعی و ظهور بازیگران جدید
 - ۸- دشواری کنترل جریان اطلاعات
 - ۹- تفاوت‌های فرهنگی و اعتقادی
 - ۱۰- مقررات رسانه‌ای حاکم و اعتماد عمومی
 - ۱۱- ثبات سیاسی و حکمرانی فضای مجازی
 - ۱۲- شرایط ناگوار اقتصادی و درآمد سرانه (فقر، بی‌عدالتی و ...)
 - ۱۳- رفتار اطلاعاتی و رسانه‌ای شهروندان و میزان تاب‌آوری
 - ۱۴- تضعیف سرمایه‌های اجتماعی و خروج نخبگان
 - ۱۵- هوشمندی در ثبت روایت اول
 - ۱۶- رقابت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی با رعایت اصول دیپلماسی سایبری
 - ۱۷- ناآرامی‌های اجتماعی و سیاسی
 - ۱۸- مداخلات انتخاباتی
 - ۱۹- روند سریع پیشرفت فناوری
 - ۲۰- جنگ‌های ترکیبی و مدیریت اطلاعات در شبکه‌های جهانی
 - ۲۱- خط‌مشی بازدارندگی
 - ۲۲- خط‌مشی پاسخ‌دهی و مقابله هوشمند
 - ۲۳- خط‌مشی تاب‌آوری شناختی
 - ۲۴- انتشار اطلاعات نادرست و تحریف‌شده
 - ۲۵- ایجاد و تعمیق شکاف‌های اجتماعی و سیاسی
 - ۲۶- سوگیری، اختلال و انسداد شناختی
 - ۲۷- پیامدهای اقتصادی
 - ۲۸- تأثیرات روانی و عاطفی
 - ۲۹- تأثیر بر دیپلماسی و روابط بین‌الملل
 - ۳۰- پیشرفت علوم و فناوری‌های شناختی
- طی کدگذاری محوری، مقوله‌های استخراج‌شده از کدگذاری باز بر اساس جهت‌گیری‌ها،

تناسب، ماهیت و بار معنایی با یکدیگر ادغام و در قالب ابعاد مدل پارادایمیک شامل مقوله محوری، شرایط علی، شرایط مداخله‌گر، شرایط زمینه‌ای، راهبردها و پیامدها قرار گرفتند که در جدول ذیل به نمایش درآمده‌اند:

نوع مقوله	مقوله	کدهای هدایت‌کننده
مقوله محوری	مهندسی شناخت	<ul style="list-style-type: none"> ▪ تحولات شگرف در حوزه فضای سایبر و به‌ویژه فناوری اطلاعات، دستکاری‌های شناختی را با متدهایی جدید، در مقیاسی بی‌سابقه و کاملاً دقیق میسر کرده است. ▪ با وجود حجم گسترده‌ای از داده‌های (رفتاری) که غالباً از طریق کاربران در فضای سایبر تولید می‌شوند، دستکاری بیشتر داده‌ها به‌راحتی قابل انجام است. امروزه مجموعه عظیم داده‌های سازمان‌یافته از طریق فناوری‌های دیجیتال، اساساً برای شبیه‌سازی و پیش‌بینی رفتار فردی و اجتماعی انسان‌ها استفاده می‌شود.
شرایط علی	جهانی‌شدن و تأثیرپذیری آنلاین	<ul style="list-style-type: none"> ▪ بهتر است قبول کنیم افراد با داشتن اطلاعات به تعامل، مشارکت و همکاری تشویق شده‌اند و در نتیجه آن جهانی‌شدن در حال عینیت یافتن است. ▪ شرایط جهان و ساکنان آن هر روز پیچیده‌تر می‌شود و زمان و مکان و هویت، تعاریفی تازه یافته‌اند. فضای سایبر و رسانه‌های اجتماعی سایبرمحور، امکان دسترسی به الگوهای زندگی جوامع مختلف را در اختیار کاربران قرار می‌دهد و به لحاظ شناختی او را مسحور‌ظواهر زندگی غربی می‌نماید.
به هم‌پیوستگی و شتاب گرفتن روند تهدیدات شناختی		<ul style="list-style-type: none"> ▪ قبل از ظهور فناوری اطلاعات و فضای سایبر، برای نفوذ در ذهن مخاطب چند روش محدود به کار گرفته می‌شد تا قدرت محاسبه او را به‌اشتباه بیندازد. مثلاً روش فریب یا برجسب‌زنی یا نهایتاً تکنیکی دیگر؛ اما امروز سایبر این امکان را فراهم می‌آورد که بتوان از تمام تکنیک‌های شناختی هم‌زمان و به بهترین وجه استفاده کرد. پس فضای سایبر می‌تواند تأثیرگذاری عمده‌ای در شتاب‌گیری و گسترش دامنه رخدادهای شناختی داشته باشد. نکته شایان توجه این است که فضای سایبر در کنار تمام قابلیت‌های گفته‌شده یک ابزار سهل‌الوصول ارزان با امکان گمنامی است.
قطب‌بندی‌شدن سیاسی و		<ul style="list-style-type: none"> ▪ جنگ شناختی به دنبال چنانچه‌کسی کردن جامعه و چند پارگی تفکرات

<p>است. این موضوع موجب علم شکل‌گیری همسویی و اتحاد ملی است.</p> <ul style="list-style-type: none"> ▪ جنگ شناختی اغلب به دنبال تفرقه در جمعیت و افزایش میزان قطبی شدن است. اختلافات قبلی در امتداد تقسیم‌بندی‌های احزاب سیاسی و اختلافات مذهبی و فرهنگی مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد. قطبی شدن افراد جامعه را در حد دشمنی و در یک حال شکننده رویروی هم قرار می‌دهد؛ شکاف‌های عقیدتی، سیاسی و فرهنگی به‌طور طبیعی در همه جوامع وجود دارد ولی اگر به‌درستی مدیریت نشود می‌تواند با ایجاد تقابل‌های خشن گفتمانی و از بین رفتن سرمایه‌های اجتماعی، زمینه غفلت از تحرکات شناختی دشمن را فراهم آورد. ▪ امروزه دشمنان با بهره‌برداری از شبکه‌های اجتماعی مجازی، توانسته‌اند اطلاعات نادرست، تحریک‌آمیز و تبلیغاتی را در سطح وسیع و با سرعتی حیرت‌انگیز بین مخاطبان خود منتشر کرده و با استفاده از سوگیری‌های موجود، تنش‌ها را تشدید و عموم جامعه را دوقطبی‌تر کنند. این نتایج بادی برای جامعه و کشور خواهد داشت تا جایی که رهبر معظم انقلاب نیز می‌فرماید "ایجاد دوجریانی، دوفرقای و دوقطبی از ضربه‌های مهلکی است که دشمن به دنبال آن است." 	<p>ایدئولوژیک جامعه</p>
<ul style="list-style-type: none"> ▪ کاربران ما باید پیوسته آگاهی‌های رسانه‌ای‌شان را افزایش دهند تا با تقویت تفکر انتقادی برداشت‌های سطحی از پیام‌ها نداشته باشند. کاربران رسانه‌های مجازی اجتماعی معمولاً فکر می‌کنند که چیزهای زیادی می‌دانند اما متأسفانه برخی حتی از درک اولیه صنعت رسانه‌ای و اهداف آن بی‌خبرند. تعداد معدودی از آن‌ها قادرند منافع و یا طبیعت پنهان رسانه را معنا کرده و از تأثیر رسانه در شکل‌دهی به بینش آن‌ها بی‌خبرند. ▪ فضای سایبر فضای آشوبناک و فاقد قطعیت و درعین حال شهروند محور است لذا نیاز به شهروندانی آگاه داریم که اسیر اطلاعات نادرست و جعلی و فریب‌های شناختی نشود. در صورت اعمال روش‌های آموزشی دقیق و مطابق با متدهای بومی و انعطاف‌پذیر به‌ویژه در حوزه‌های آگاهی‌شناختی، آمادگی شناختی و سواد رسانه‌ای هریک از این شهروندان، می‌تواند مقوم توانمندی حاکمیتی در انطباق و مواجه فعال با پویایی و تغییرات مستمر حاکم بر حوزه سایبری بوده و این مسیر را تسهیل نمایند. استمرار این آموزش‌ها و تنوع آن‌ها برای اقبشار مختلف بسیار حائز اهمیت است. 	<p>فقدان سواد رسانه‌ای و رشد آسیب‌پذیری‌های شناختی</p>

<ul style="list-style-type: none"> بر اساس هرم دانش اگر داده‌ها و اطلاعات از ابتدا به‌درستی در اذهان مخاطب بارگذاری نشود ما به خرد صحیح می‌رسیم؛ به‌عبارت‌دیگر ما به آن بصیرت موردنظر ملی - مذهبی خواهیم رسید. همچنین در صورت بی‌توجهی به واکنش افشار مختلف به امواج رسانه‌ای شاهد رشد آسیب‌پذیری خواهیم بود. 		
<ul style="list-style-type: none"> توسعه فناوری‌های نوظهور و بعضاً برهم زن و حاکمیت‌گریز جوامع را ناگزیر از توجه به این حوزه نموده است؛ بنابراین ضمن ایجاد فرصت و توجه به علائم ظهور و بروز این‌گونه از فناوری‌ها ضرورت دارد برنامه و الگوی مواجهه با آن‌ها را به شکلی پیش‌دستانه و مدون موردتوجه قرار دهیم تا در غفلت راهبردی قرار نگیریم. بر این اساس کلیه فناوری‌های مرتبط با حوزه سایبر- شناختی مانند هوش مصنوعی، اینترنت اشیا، رویاتیک که نقشی اثربخش در توسعه تهدیدات شناختی دارند بایستی دارای برنامه‌تقنینی و مواجهه‌ای در کشور باشند. تا الگوهای توسعه و به‌کارگیری آن‌ها برای مقابله با تهدیدات شناختی طراحی و به‌کارگیری شوند. 	<p>پیشرفت فناوری و ظهور فناوری‌های برهم زن و حاکمیت‌گریز</p>	
<ul style="list-style-type: none"> فضای شبکه‌های اجتماعی به افکار عمومی فرصت می‌دهد تا به شکل مستقیم و بی‌واسطه به اطلاعات دسترسی داشته باشد و سمت‌وسوی خود را به درست یا غلط پیدا کند. شبکه اجتماعی به بازیگران این فرصت را می‌دهد تا با استفاده از مزیت‌های نسبی این‌فضا به طرح دیدگاه‌های خود بپردازند. از خطوط قرمز اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بگذرند، همفکران خود را بیابند، احساس همبستگی گروهی کنند و درعین‌حال اگر مایل نیستند، هویت خویش را آشکار نکنند. مواردی که استقبال گسترده را برای کاربران به همراه دارد و تأثیرگذاری بر موضوع مهندسی شناخت از همین استقبال وسیع آغاز می‌گردد. 	<p>استفاده گسترده از رسانه‌های اجتماعی و ظهور بازیگران جدید</p>	
<ul style="list-style-type: none"> ما در لبه فناوری‌های اطلاعاتی نیستیم بنابراین نمی‌توانیم به شکل مطلوب در حوزه کنترل جریان اطلاعات سیاست‌گذاری مناسب داشته باشیم. نداشتن دسترسی به‌موقع به اطلاعات، وجود اطلاعات جعلی و دستکاری‌شده، ناهمگونی اطلاعات مشابه، نهان ماندن اطلاعات مفید و ضروری و ... از جمله مشکلات کنترل ناکارآمد گردش اطلاعات هستند. در عصر گلوبالیسم، رسانه‌های فرامرزی و فراملی مدیریت و کنترل جریان اطلاعات را با دشواری مواجه ساخته‌اند. 	<p>دشواری کنترل جریان اطلاعات</p>	
<ul style="list-style-type: none"> هرچقدر شکاف‌های فرهنگی، اجتماعی و ایدئولوژیک در بین 	<p>تفاوت‌های فرهنگی و اعتقادی</p>	<p>شرایط</p>

مداخله‌گر	<p>اقتشار مختلف یک جامعه بیشتر باشد. امکان اثربخشی تاکتیک‌های شناختی بیشتر است.</p> <ul style="list-style-type: none"> ▪ وجود قومیت‌هایی با گرایش‌های فرهنگی، اجتماعی و بعضاً عقیدتی متنوع موضوعی است که اگر به‌درستی مدیریت نشود می‌تواند زمینه‌ساز تنش‌های خطرناکی باشد. دشمن با مطالعه دقیق نقاط افتراق و پررنگ کردن آن‌ها می‌تواند آشوب‌های قومی را برنامه‌ریزی نماید. ▪ امروز مهم‌ترین تقابلهایی که اگر به سطح جامعه کشیده شوند، بحران‌زا خواهند بود عبارت‌اند از: تقابل اسلامیت - ایرانیست، سنت - مدرنیته، تقابل ملیت - قومیت، تقابل زبان رسمی - محلی و تقابل فرهنگ رسمی - خرده‌فرهنگ. ▪ مخاطب دهه ۱۰-۹۰ با مخاطبی متعلق به دهه ۵۰ و ۶۰ دنیای متفاوتی دارد و کسی که نتواند این تفاوت‌ها را تشخیص دهد و پاسخی قانع‌کننده برای سؤالات آن‌ها نداشته باشد، کنشگری توانمند در عرصه جنگ شناختی نخواهد بود.
مقررات رسانه‌های حاکم و اعتماد عمومی	<ul style="list-style-type: none"> ▪ علیرغم تمام ادعاهای مطرح‌شده به‌ویژه در کشورهای مدعی دموکراسی، در آزادترین جوامع نیز محدودیت‌های ویژه‌ای برای رسانه‌ها وجود دارد؛ مقرراتی که خط قرمزهای دایره فعالیت رسانه‌ها را بر اساس شاخصه‌های امنیت ملی تعریف کرده و حول محور منافع ملی و مبتنی بر آن، چارچوب‌هایی از سوی نهادهای حاکم مشخص و ملودن می‌شوند. ▪ حاکمیت‌ها می‌بایست با فراهم کردن رویه‌های شفاف به‌منظور پاسخگویی بیشتر و اعتمادسازی، از ظرفیت موجود در صنعت رسانه و مخاطبان آن برای نظم‌بخشی به فضای سیال رسانه‌ای استفاده کنند.
ثبات سیاسی و حکمرانی فضای مجازی	<ul style="list-style-type: none"> ▪ شاید مهم‌ترین معضل و مانع موجود در جهت حفظ ثبات سیاسی کشور به‌ویژه در سالیان اخیر، عدم شناسایی حوزه‌های شناختی و غفلت از موضوع حکمرانی سایبری توسط مسئولان است. عدم ایجاد آمادگی شناختی در میان مسئولان و تصمیم‌سازان، چالش عمده‌ای در این مسیر می‌باشد. مسئله نفوذ که مقام معظم رهبری بارها بر اهمیت آن تأکید نموده‌اند ناشی از همین نقص می‌باشد. ▪ بی‌توجهی به موضوع حکمرانی فضای مجازی و تأثیرات آن زمینه‌ساز تضعیف حاکمیت و تحلیل رفتن ثبات سیاست داخلی و خارجی آن می‌باشد.
شرایط ناگوار اقتصادی و	<ul style="list-style-type: none"> ▪ در جامعه افراد کم‌درآمد و حتی آسیب‌پذیر به‌واسطه داشتن

<p>یک گوشی تلفن همراه هوشمند به‌نوعی کاربرد فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی می‌باشند و برای فرار از سرخوردگی‌های ناشی از فقر و تبعیض‌های اجتماعی و آرامش موقتی، این فضا را بهترین محل برای گذراندن وقت خود می‌بینند. این افراد با توجه به زمینه‌های روانی موجود دقیقاً در نقطه‌ای هستند که حتی بیش از دیگران آمادگی پذیرش امواج مخرب شناختی را خواهند داشت. امواجی که با عیان ساختن جهت‌دار برخی واقعیت‌ها و تبعیضات باعث تشدید میزان بابینی، خشم، درماندگی و افسردگی آن‌ها می‌شوند.</p>	<p>درآمد سرانه (فقر، بی‌عدالتی و ...)</p>
<ul style="list-style-type: none"> ■ امروزه شرایط به‌گونه‌ای است که به‌جای شهروند، شبکه و نند (Netizen) داریم که به‌طور فعال در اجتماعات آنلاین مشارکت دارد و از فضای مجازی به‌عنوان یک منبع ذهنی و اجتماعی برای ورود به فعالیت‌های بین شبکه‌ای و ارتباط با گروه‌های اجتماعی استفاده می‌کند. این یعنی مخاطب ما دیگر شهروند فلان شهر نیست بلکه شبکه و نند اینستاگرام و غیره است. لذا شناخت یک شبکه و نند برای کنترل کنندگان یک شبکه اجتماعی بسیار سهل‌تر است. ■ کاربرد فضای سایر علاوه بر استفاده هوشمندانه از فرصت‌های این فضا، باید از رفتار اطلاعاتی مناسب نیز برخوردار باشد تا در مقابل امواج مخرب تاب‌آوری مناسبی از خود نشان دهد. 	<p>رفتار اطلاعاتی و رسانه‌ای شهروندان و میزان تاب‌آوری</p>
<ul style="list-style-type: none"> ■ خروج نخبگان به دلیل بهره‌وری بالا و توانایی آن‌ها در افزایش تولید، نوآوری و خلاقیت موجب عدم بهره‌مندی کشور از این استعدادهای در عرصه‌های مختلف می‌شود. این موضوع سبب عقب ماندن در فرآیند توسعه، تضعیف پایه‌های دانش، هدررفت مخارج آموزش و نابودی سرمایه عاطفی و انسانی در کشور می‌شود. ■ مرکز عالی تحقیقات شناختی در اسپانیا در آخرین سند خود دستکاری اطلاعات و "مهاجرت سیستماتیک" نخبگان را از کلیدواژه‌های اصلی در حوزه جنگ شناختی معرفی کرده است. ■ داشتن نگاه علمی به موضوع مهم تضعیف هادفمند سرمایه‌های اجتماعی و همچنین چاره‌اندیشی در خصوص مبحث مهاجرت سازمان‌یافته متخصصان بسیار ضروری ارزیابی می‌شود. 	<p>تضعیف سرمایه‌های اجتماعی و خروج نخبگان</p>
<ul style="list-style-type: none"> ■ توجه به اهمیت روایت اول به‌منظور همراه سازی باورهای عمومی و ملی در جهت بازگرداندن حس اعتماد مردم یکی از تاکتیک‌های مهم و تقریباً مطمئن و اثربخش در فرایند جنگ‌های شناختی است. 	<p>هوشمندی در ثبت روایت اوک</p>

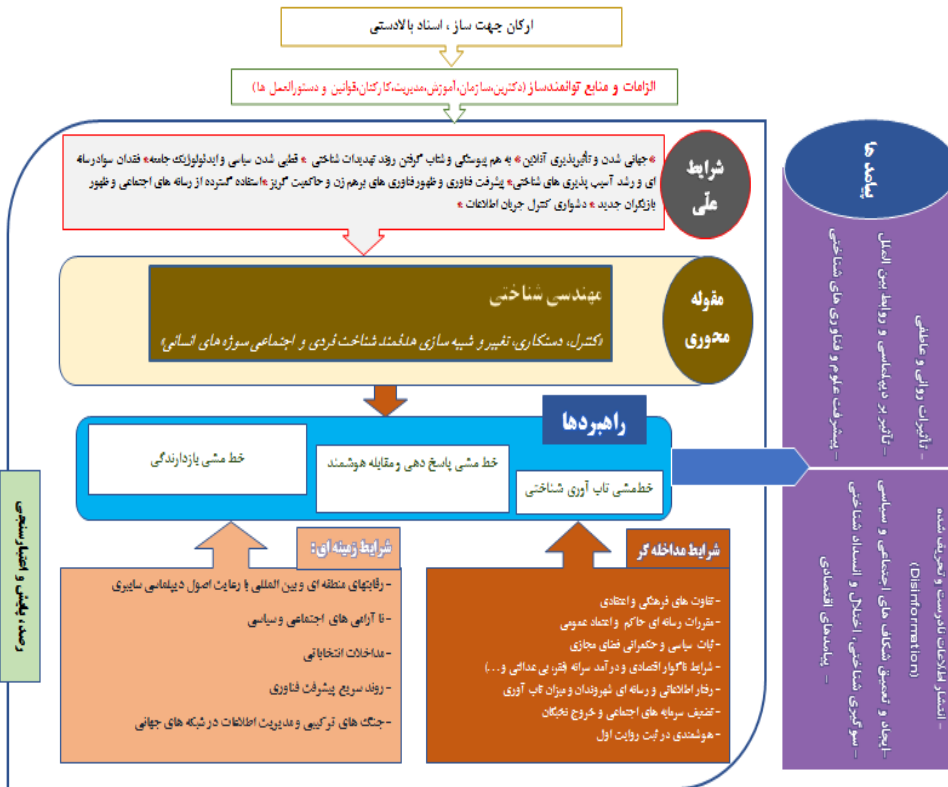
شرایط زمینه‌ای	رقابت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی	<ul style="list-style-type: none"> ▪ فاتحان دیروز سرزمین‌ها در دنیای امروز، فاتحان مغز انسان‌ها هستند. بر همین اساس دشمنان با کشاندن عرصه جنگ به مغز انسان‌ها سعی در اخذ برتری در رقابت‌های بین‌المللی بدون خونریزی و صرف هزینه‌های کلان در میان نبردهای سخت را دارند. جنگ شناختی میانبری برای پیروزی سریع با کمترین مقاومت در عرصه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی است که با تبدیل عناصر راسخ و مقاوم کشورهای رقیب به عناصر سست‌عنصر، خائن و همراه ممکن می‌شود.
	نآرامی‌های اجتماعی و سیاسی	<ul style="list-style-type: none"> ▪ یکی از تاکتیک‌های مورداستفاده در زمان نآرامی‌های اجتماعی و سیاسی سوءاستفاده از موضوعات و سوژه‌هایی است که معمولاً در کشور هدف وجود دارد و متأسفانه بعضاً بر اثر بی‌توجهی و غفلت مسئولان خلق می‌شوند. ▪ رسانه‌های اجتماعی مجازی به دلیل توانایی انتشار سریع و مؤثر اخبار و شایعات، به‌ویژه برای تشدید نآرامی‌ها و جناح‌بندی‌های سیاسی و اجتماعی مناسب و کاربردی هستند.
	مداخلات انتخاباتی	<ul style="list-style-type: none"> ▪ هر چه در جامعه‌های میزان تضارب و تفاوت آراء بیشتر باشد، در زمان فرارگیری آرای آن‌ها در برابر هم مانند مناسبت‌های سیاسی (انتخابات و همه‌پرسی) امکان برخورد و تضاد افکار میان آن‌ها بیشتر خواهد شد و بستر شعله ورسازی اختلافات مساعدتر خواهد بود. ▪ در زمان انتخابات جامعه با شدت بیشتری دچار آراء قطبی شده و با تشکیل گروه‌های رادیکال، جامعه‌ای که می‌توانست به شکل منسجم به سمت حل مشکلات خود حرکت کند، به سمت آشوب و حتی تجزیه پیش می‌رود.
	روند سریع پیشرفت فناوری	<ul style="list-style-type: none"> ▪ بانفوذ همه‌جانبه فناوری، دستکاری ماهرانه در ادراک، نحوه تفکر و رفتارها در مقیاس‌های زمانی و مکانی مختلف و به صورتی هدفمند انجام می‌شود. با کاهش پیوسته هزینه فناوری و ورود بازیگران بیشتر آسیب‌پذیری‌های ذاتی ذهن نیز بیشتر می‌شود که محصول آن بی‌اعتمادی مفرط در تمام سطوح است.
جنگ‌های ترکیبی و مدیریت اطلاعات در شبکه‌های جهانی		<ul style="list-style-type: none"> ▪ مهم‌ترین وجه جنگ ترکیبی را باید مبتنی بر ادراک سازی و ایجاد شناخت در مخاطب دانست. دشمن باید افکار عمومی را برای رسیدن به اهدافی که دارد آماده کرده و آن‌ها را مهیای همراهی با خود می‌کند. ▪ جنگ شناختی به‌عنوان نقطه کانونی تأثیرگذار جنگ ترکیبی، در واقع نوعی جنگ برای مدیریت اطلاعات و تغییر نحوه واکنش افراد

<p>نسبت به اطلاعات دریافتی است و هدف آن فروپاشی دشمن از درون و تحمیل اراده سیاسی بدون اقدام سخت است. یکی دیگر از اهداف آن تأثیرگذاری بر تصمیمات دشمن به صورت نامحسوس و غیرقابل ردیابی و ایجاد ابهام و عدم قطعیت ذهنی است.</p> <ul style="list-style-type: none"> ▪ جنگ شناختی را نباید یکی از عرصه‌های ظهور و بروز جنگ ترکیبی دانست، بلکه جنگ شناختی، قرینه و مکمل اصلی جنگ ترکیبی است. 		
<ul style="list-style-type: none"> ▪ در شرایطی که دشمنان با تمامی امکانات شناختی خود مخصوصاً در بستر فضای سایبر سعی در فرسایش هادفمنند قدرت ادراک و باورهای جمعیت کشور هدف و شکل‌دهی مجدد به آن‌ها می‌باشند اگر نقش منابع قدرت شناختی در خط‌مشی بازدارندگی موردتوجه لازم قرار نگیرد، عملاً نقش بخش مهمی از منابع قدرت که می‌تواند در حوزه بازدارندگی تأثیرگذار باشد، نادیده گرفته می‌شود. ▪ انعطاف‌پذیری و ارتقاء عملکرد رفتاری و شناختی و توجه بیش‌ازپیش به موضوع آمادگی شناختی و تقویت فرایند آن در شرایط عدم قطعیت و پرابهام فعلی، باید در خط‌مشی گذاری بازدارندگی موردتوجه باشد. ▪ آموزش مستمر سواد رسانه‌ای منطبق با ذائقه و اصول روانشناسی و شناختی هر نسل در مسیر مقابله با جنگ شناختی بسیار مؤثر ارزیابی می‌گردد. ▪ امروز ما نیازمند جهاد تبیین نسبت به جنگ چندجانبه شناختی علیه جمهوری اسلامی هستیم. باید کاری کنیم مردم و نسل جوان ما، ابزارها و تکنیک‌های این جنگ را خوب بشناسند و اگر چنین شود همانند جنگ سخت در مقابل حملات شناختی دشمن نیز به بازدارندگی مطلوب خواهیم رسید. 	<p>خط‌مشی بازدارندگی</p>	<p>راهبردها</p>
<ul style="list-style-type: none"> ▪ خروج فوری و عاجل از موضع انفعال دفاعی محض در جنگ شناختی و گسترش ابزارهای کنش‌گرانه تهاجمی در این عرصه، راهکاری تأثیرگذار در تغییر مسیر به نفع خود و به ضرر دشمن است. شناخت نقاط گسست و اختلاف تاریخی جبهه دشمن و سرمایه‌گذاری شناختی و مانور رسانه‌ای بر روی آن‌ها از مهم‌ترین اقدامات آفندی است که آن‌ها را درگیر و از برنامه‌ریزی مستمر علیه ما دور می‌کند. 	<p>خط‌مشی پاسخ‌دهی و مقابله هوشمند</p>	
<ul style="list-style-type: none"> ▪ ضروری به نظر می‌رسد که ویژگی‌های مهم تاب‌آوری یعنی انطباق‌پذیری و واکنش‌های معقول و مناسب در شرایط سخت ناشی از جنگ 	<p>خط‌مشی تاب‌آوری شناختی</p>	

<p>شناختی بین آحاد افراد جامعه از مردم عادی تا نخبگان و خواص ارتقا یابد.</p> <ul style="list-style-type: none"> ▪ بیان روایت به صورت شفاف، سریع و صدالبته مستند و صحیح از آنچه در عرصه شناختی کشور رخ می‌دهد و اطلاع‌رسانی به موقع از رخدادها ضمن رعایت خط قرمزهای امنیت ملی می‌تواند خبرگان و سیاست‌گذاران را در تصحیح شرایط پیش‌آمده و جبران خطاهای قبل یاری دهد. همچنین ایجاد بارقه‌های امید و تقویت خودباوری، فراهم کردن ثبات هیجانی در قشر جوان و از همه مهم‌تر تقویت اعتماد از عوامل دیگر تاب‌آوری شناختی می‌باشد. 		
<ul style="list-style-type: none"> ▪ جنگ شناختی محتواهای خاص و حرفه‌ای را در قالب اطلاعات نادرست در کسری از تائیه همانند ویروس‌ی به ذهن غالباً بی‌دفاع مخاطبان تزریق می‌کند و پیوسته آن‌ها را در معرض بمباران فکری قرار می‌دهد. ▪ اطلاعات غلط علاوه بر تغییر برنامه‌ریزی شده نحوه واکنش افراد و جوامع به اطلاعات، موجب جایجایی معنا در ذهن انسان نیز می‌شوند. 	<p>انتشار اطلاعات نادرست و تحریف‌شده</p>	<p>پیامدها</p>
<ul style="list-style-type: none"> ▪ جامعه‌ای که دچار تفرقه و افتراق آراء می‌شود، یکدستی و یکپارچگی خود را از دست می‌دهد و امکان برخورد و تضاد افکار میان آن‌ها بیشتر خواهد شد. فلذا در برابر بیگانگان نمی‌تواند عزم راسخی برای ایستادگی داشته باشد. ▪ دشمنان به دنبال شناسایی "مراکز ثقل شناختی" اتحاد و انسجام جوامع هستند تا با سرمایه‌گذاری بر موارد افتراق نسبت به ایجاد یا شدت بخشی موارد اختلاف اقدام کنند و در این راه از تمام طرف‌دها بهره می‌گیرند. 	<p>ایجاد و تعمیق شکاف‌های اجتماعی و سیاسی</p>	
<ul style="list-style-type: none"> ▪ سوگیری‌های شناختی می‌تواند منجر به قضاوت‌های نادرست و تصمیم‌گیری‌های تضعیف‌شده شود یا از شناسایی به موقع تهدیدها جلوگیری کند. درک منشأ انواع سوگیری‌ها و اختلالات شناختی می‌تواند به توسعه راهبردهای مؤثر برای پاسخ به تلاش‌های دشمن در سوءاستفاده از این موارد کمک کند. 	<p>سوگیری، اختلال و انسداد شناختی</p>	
<ul style="list-style-type: none"> ▪ اقتصاد رفتاری، پژوهش‌های روان‌شناختی را با مدل‌های اقتصادی تطبیق می‌دهد، بنابراین نمایش دقیق‌تری از تعاملات انسانی در حوزه‌های تجاری ایجاد می‌کند. استفاده هوشمندانه از روش‌ها و شیوه‌های اقتصاد رفتاری، می‌تواند به درک بهتری از نحوه رفتار و تفکر صاحبان مشاغل و مشتریان منجر شود و در نهایت به درک وسیع‌تری از 	<p>پیامدهای اقتصادی</p>	

<p>محیط تصمیم‌گیری ختم شود؛ اما برابر نمونه کمبریج آنالیتیک، این خطر نیز وجود دارد که دسترسی به داده‌های رفتاری با استفاده از ابزارها و تکنیک‌های اقتصاد رفتاری، می‌تواند به هر بازیگر مخرب دولتی یا غیردولتی اجازه دهد تا به شکلی راهبردی به اقتصاد جوامع و ابزار قدرت آن‌ها آسیب برساند.</p>		
<p>تغییر افکار مردم با برجسته‌سازی سوء مدیریت‌ها و نارضایتی‌ها و تغییر نگرش در خواص و عامه مخاطبین در میزان اطمینان و آرامش و امنیت روانی تأثیر مستقیم دارد. القای ناکارآمدی مسئولان و مدیران و بی‌اعتمادی به تصمیم‌گیران و تصمیمات اتخاذشده آنان، اضطراب و خشونت را در جامعه گسترش داده و روند ازهم‌پاشیدگی از درون به بیرون را تسریع می‌کند.</p> <p>در جنگ شناختی، دشمن تلاش می‌کند به جامعه ایران و به‌ویژه نسل جوان یک نگاه بدبینانه از انقلاب و حاکمیت را القا کند و برای تحصیل این هدف، با استفاده از قدرت رسانه‌ای وضعیت را سیاه، آینده را مبهم و دستاوردهای ارزشمند را بی‌اهمیت جلوه می‌دهد که تأثیرات منفی روانی آن را در ابعاد مختلف از جمله افزایش موج مهاجرت در میان جوانان می‌بینیم.</p>	<p>تأثیرات روانی و عاطفی</p>	
<p>از نمونه‌های دیگر اقدامات شناختی در مسیر تشدید تنش‌های دیپلماتیک، تلاش امپراطور رسانه‌های غرب در ایجاد و شدت بخشیدن به پروژه ایران هراسی در میان کشورهای جهان به‌ویژه همسایگان می‌باشد. آن‌ها ضمن معرفی ایران به‌عنوان کشوری که قصد تهدید منافع راهبردی سایر کشورها به‌ویژه همسایگان خود را دارد سعی دارند با تحریک افکار عمومی نه‌تنها از بهبود مناسبات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی فی‌مابین جلوگیری نمایند بلکه به اختلافات موجود نیز دامن زده و هر چه بیشتر در جهت تیره‌سازی روابط گام برمی‌دارند.</p>	<p>تأثیر بر دیپلماسی و روابط بین‌الملل</p>	
<p>علوم و فناوری‌های شناختی هم‌اکنون بشدت وارد کسب شناخت از الگوریتم‌ها و الگوهای رفتاری افراد و اқشار جوامع و نحوه برنامه‌ریزی اذهان شده و تلاش می‌کنند تا در مورد نحوه واکنش ذهن انسان به سیگنال‌های ورودی و نیازهای مرتبط با نحوه تغییر نگرش افراد در جوامع مختلف راه‌حل ارائه کنند.</p>	<p>پیشرفت علوم و فناوری‌های شناختی</p>	

عطف به کدگذاری‌های انجام‌گرفته و بر اساس مدل کرسول، مدل مفهومی و پارادایمیک تدوین خط‌مشی مقابله با جنگ شناختی دشمن در فضای سایبر به شرح ذیل ارائه می‌گردد.



«مدل مفهومی و پارادایمیک تدوین خط‌مشی مقابله با جنگ شناختی دشمن در فضای سایبر»

در این مدل راهبردها کسش‌ها یا واکنش حاصل از پدیده اصلی می‌باشند که درعین حال از شرایط زمینه‌ای و شرایط مداخله‌گر نیز به‌نوعی تأثیرپذیر بوده و درنهایت بر پیامدها اثرگذار هستند.

نتیجه‌گیری

با بررسی و تحلیل کیفی اسناد و مصاحبه‌های انجام‌گرفته که با استفاده از نرم‌افزار مکس کیودا انجام شد و با استناد به واحدهای معنایی، زیرطبقه‌ها و پدیده اصلی احصا شده، می‌توان نتیجه گرفت: یکی از مهم‌ترین دلایل عملیاتی شدن گاه‌وبیگاه تهدیدات شناختی در کشور ما عدم وجود خط‌مشی‌های نظارتی در هنگام ظهور و بلوغ این قبیل تهدیدات به‌ویژه در فضای سایبر و شبکه‌های

اجتماعی و انتقال فناوری‌های اطلاعاتی در کشور، بدون برنامه‌ریزی مناسب و فارغ از ظرفیت‌سازی متناسب می‌باشد. این موضوع باعث شد پیامدهای مهم سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، عقیدتی و حقوقی آن برای خط‌مشی‌گذاران ناشناخته باقی ماند.

به بیان دیگر علیرغم اشارات فراوان مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، روند مفهوم‌شناسی و حوزه فعالیت و اثرگذاری جنگ شناختی در کشور ما به درستی انجام نگرفته و فاقد انسجام لازم به لحاظ علمی و عملیاتی می‌باشد که شاید یکی از دلایل عمده آن ورود بی حساب و کتاب فناوری‌های سایبرمحور به کشور و گسترش سریع و غافلگیرکننده آن‌ها در میان اقشار مختلف جامعه قلمداد نمود. کما اینکه این قبیل فناوری‌ها با امکان انجام تغییرات محتوایی و ساختاری متعدد و داشتن ماهیت حاکمیت‌گریزی می‌تواند اثرات عمیق و غیرقابل پیش‌بینی بر ابعاد و جنبه‌های مختلف امنیت ملی داشته باشد که می‌بایست بیشتر از گذشته به‌عنوان یک موضوع حاکمیتی مورد اهتمام قرار گیرند. در این شرایط و با پدیدار شدن تدریجی آثار جنگ شناختی دشمن در بستر فضای سایبر به‌ویژه در جریان فتنه‌ها و آشوب‌های سال‌های اخیر و پس از هشدارهای مؤکد مقام معظم رهبری مدظله‌العالی در خصوص مباحثی همچون شیخون فرهنگی، نفوذ، جنگ روایت‌ها و جهاد تبیین که در ارتباط تنگاتنگ با جنگ شناختی و آسیب‌های ناشی از آن می‌باشد، تلاش‌هایی از جانب برخی سازمان‌ها و مراکز کشوری و لشکری در راستای شناسایی ابعاد و زوایای مختلف امر و تدوین خط‌مشی‌های مقابله‌ای انجام گرفت و اقداماتی نیز به‌صورت پراکنده در جهت سیاست‌گذاری حوزه سایبر شناختی صورت پذیرفت. رخدادهای متأثر از تحركات شناختی دشمن در فضای سایبر موجب گردیده لزوم بازنگری در استانداردهای مقابله با جنگ شناختی دشمن در فضای سایبر از منظر خط‌مشی‌گذاری باهدف جلوگیری از غافلگیری راهبردی و تکرار اتفاقات مشابه بیش‌ازپیش مورد توجه قرار گیرند.

منابع

- آقایی، محسن؛ معینی، علی؛ عرب سرخی، ابوذر؛ محمدیان، ایوب؛ زارعی، علی اصغر (۱۳۹۸). ارائه مدل مفهومی منطقی طبقه‌بندی تهدیدات سایبری زیرساخت‌های حیاتی. امنیت ملی، ۹(۲)، ۲۰۱-۲۳۱.
- ابوذری، مهروش (۱۴۰۲). هوش مصنوعی ابزار قدرت نرم در حوزه سیاست عمومی. مطالعات قدرت نرم، ۱۳(۴)، ۸۱-۱۰۰.
- اخوان، محمدجواد (۱۳۹۷). جنگ شناختی مکمل جنگ اقتصادی، تارنمای روزنامه جوان، <https://www.javann.ir/003szf>.
- اسلامی، سید محمود (۱۴۰۲). تبیین نقش رسانه‌های همگانی در خط‌مشی عمومی به‌مثابه قدرت نرم. مطالعات قدرت نرم، ۱۳(۱)، ۱۲۵-۱۴۰.
- الوانی، سید مهدی؛ خنیفر، حسین؛ حاجی ملامیرزایی، حامد (۱۳۹۳). تدوین الگوی خط‌مشی‌گذاری فضای مجازی کشور. راهبرد اجتماعی فرهنگی، ۴(۱۳)، ۷۵-۱۰۰.
- باقری دولت‌آبادی، علی؛ زارعیان جهرمی، فرج‌الله (۱۳۹۲). تأثیر فضای مجازی بر هویت و همبستگی ملی، مطالعات راهبردی بسیج، ۱۶(۶۰)، ۱۸۲-۱۴۹.
- جان‌پرور، محسن؛ صالح‌آبادی، ریحانه؛ احمدی، سیروس (۱۳۹۷). کنترل تروریسم سایبری با مدیریت مرزهای فضای سایبر راهبردی. مطالعات قدرت نرم، ۸(۲)، ۹۹-۱۲۶.
- جمشیدی بروجردی، علیرضا؛ امامی، مجتبی؛ بنی‌اسد، رضا (۱۳۹۷). طراحی چهارچوب مفهومی خط‌مشی‌های تنظیمی در حوزه محتوای فضای مجازی جمهوری اسلامی ایران. سیاست‌گذاری عمومی، ۴(۱)، ۹۹-۱۲۵.
- حاجی ملامیرزایی، حامد (۱۳۹۸). الگوی خط‌مشی‌گذاری فضای مجازی. تهران: انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.
- خانیک، هادی؛ بابائی، محمود (۱۳۹۰). فضای سایبر و شبکه‌های اجتماعی، مطالعات جامعه‌اطلاعاتی، ۱(۱).
- دانایی‌فرد، حسن (۱۳۹۵). گفتارهایی جدید در خط‌مشی‌گذاری عمومی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- دانش‌فرد، کرم‌الله (۱۳۹۵). فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی. تهران: انتشارات صفاره.
- زبالی‌زاده، اردشیر؛ وهاب‌پور، پیمان (۱۳۹۷). قدرت بازدارندگی در فضای سایبر. رسانه و فرهنگ، ۸(۱)، ۴۷-۷۴.

شیخی دیزجان، محبوبه (۱۳۹۴). مجمع تشخیص مصلحت نظام و استراتژی خط‌مشی گذاری عمومی، سومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در مدیریت، اقتصاد و حسابداری. استانبول، ترکیه.

علوی، سیدحسین؛ حسینی، محمدرضا؛ رامک، مهرباب (۱۴۰۲). بررسی چگونگی اعمال حاکمیت بر قلمرو سایبری ملی به‌منابه قدرت نرم در پرتو حقوق بین‌الملل. مطالعات قدرت نرم، ۱۳(۴)، ۳۵-۵۴.

گاستون، بوتول (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی جنگ، ترجمه هوشنگ فرخجسته، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

محبوب عشرت‌آبادی، حسن؛ شکوری مغانی، سعید (۱۴۰۱). جنگ شناختی مدرن: از شناخت در رزم تا عرصه جنگ شناختی. مطالعات منابع انسانی، ۱۲(۲)، ۱۵۶-۱۸۰.

محمدی نجم، سیدحسین (۱۳۹۶). جنگ شناختی: بُعد پنجم جنگ، انتشارات موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی. چاپ دوم. تهران، ایران.

- Bell, David, (2001), An introduction to cyberculture, USA, Rout ledge.
- Bernal, Alonso.Carter, Cameron.Ishpreet, Singh.Cao, Kathy.Mareperla, Olivia; (2020), Cognitive Warfare.Jhon Hopkins university.
- Cluzel, François.(2020); Cognitive Warfare, Innovation Hub.
- Corbin, J. & Strauss, A. (2007). Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory. Thousand Oaks, CA: Sage Publications.
- Critical Terminology Foundations 2 Russia-U.S. Bilateral on Cybersecurity.(2014).
- DoD, Department of Defense Dictionary of Military and Associated Terms, Joint Publication (JP) 1-02, Nov. (2010).
- Kania, Elsa B, Minds at War, (2019), PRISM, Vol. 8, No. 3 (2019), pp. 82-101.
- Lewis, James A. (2018); Cognitive Effect and State Conflict in Cyberspace. center for strategic international studies. washington D.C. USA.
- Lord, Kristin.M & Sharp, Travis, (2011); “America’s Cyber future Security and Prosperity in the Information Age”, Center for a New American Security, Volume I.
- Rugge, Fabio,(2018). Mind Hacking: Information Warfare in The Cyber Age. Analysis No.319.
- Rosner, Yotam & Siman-Tov, David. (2018). Russian Intervention in the US Presidential Elections: The New Threat of Cognitive Subversion. INSS Insight, No. 1031.URL: Russian Intervention in the US Presidential Elections: The New Threat of Cognitive Subversion | INSS
- Stone, R (1991), will the Real Body please stand up? This essay was first published in the anthology cyberspace: First steps. ed. Michael Benedikt. Cambridge.
- <http://globaltaiwan.org/2018/11/vol-3-issue-22>